

داکترسخی اشرف زی سیدکاغذ

توهین به مقدسات اسلام آزادی بیان نیست

یکی از روزنامه های دنمارک کاریکاتور حضرت پیغمبر اسلام را نشر نمود که حمامه یی به شکل یک بمب بر سر دارد و (به نام پوشش آزادی بیان) حضرت رسول خدایا بطور توهین آمیز یک تروریست معرفی نموده است. این کاریکاتور ها به شئون و احساسات دینی جهان اسلام برخورد کرده و مسلمانان و کشورهای اسلامی به این توهین واکنش- در بسا موارد واکنش توأم با خشونت- نشان داده و سران کشور های اسلامی اعلامیه هایی نشر و در آن حکومت و دستگاه نشراتی دنمارک را شدیداً تقبیح نمودند و حتی تعدادی از کشور های اسلامی بطور احتجاج سفرای خویش را از دنمارک فراخواندند.

رئیس جمهور افغانستان نیز در یک نشست مطبوعاتی عاملین نشر این کاریکاتورها را محکوم کرد و آن را یک اهانت به دنیای اسلام خواند و گفت: « ما به هیچ وجه توهین به مقدسات اسلام را نمی پذیریم. او افزود که آزادی بیان و دیموکراسی به این معنی نیست که مطبوعات به فرهنگ و مقدسات دیگر کشور ها بی حرمتی کرده و آن را مورد تمسخر قرار دهند.»

کوفی عنان سرکتر جنرال سازمان ملل متحد، اکمل الدین احسان اغلو رئیس کنفرانس اسلامی و خاویار سولانا سرپرست و همآهنگ کننده سیاست خارجی اتحادیه اروپا مشترکاً بیانیه در ارتباط با چاپ کاریکاتور های حضرت محمد پیغمبر اسلام در برخی نشرات غربی که توهین به ارزش های اسلامی است، نگرانی عمیق خود را ابراز داشتند. مسولین این سه سازمان جهان در بیانیه مشترک شان اظهار نمودند که آزادی مطبوعات نیازمند مسولیت پذیری و بصیرت است، بایست اعتقادات همه ادیان و مذاهب را محترم شمرد؛ اما اقدامات خشونت آمیز که باعث تلفات جانی و مالی اتباع یک کشور شود صرف به چهره اسلام که معتقد به صلح است ضربه میزند و بایست از همچو اعمال جداً خودداری شود. آنان همچنین ضرورت دیالوگ بین ادیان و مذاهب مختلف را به منظور تفاهم ارزش های دینی تاکید نموده اند.

متأسفانه مظاهرات در افغانستان در بسا موارد به خشونت گراییده و تا اکنون باعث قتل ۹ مظاهره چی گردیده است. دشمنان صلح در افغانستان بخصوص طالبان، عناصر هنجار گریز و قاچاقبران مواد مخدر به تحریک بیگانه ها - به گمان غالب بیش از همه ای اس آی پاکستان- مشترکاً از این پیش آمد ناگوار استفاده نموده می خواهند که اوضاع سیاسی را مختل و نا آرامی را در کشوردامن بزنند. وطندران بایست گول این دشمنان صلح و ثبات را نخورده و کاری نکنند تا امنیت و ثبات کشور را که تازه به موفقیت های سیاسی و اجتماعی نایل شده و برنامه های انکشافی و اقتصادی در آن به کمک جامعه ملل در جریان است، مختل و کشور را دوباره به سوی بدبختی و قهقرا سوق دهد.

پروپاگاندهای منفی از سوی برخی گروه ها و محافل در جهان غرب در مقابل اسلام، بخصوص بعد از واقعه دلخراش یازده سپتمبر ۲۰۰۱م، روز به روز شدت اختیار نموده است. جری فارویل، یکی از رهبران مذهبی امریکا، حضرت پیغمبر اسلام را در مصاحبه های تلویزیونی تروریست خطاب نمود. قدرت سیاسی گروه بنیادگرایان افراطی عیسوی مذهب در امریکا رو به توسعه است. این بنیادگرایان نفوذ مهمی در حلقه های بلند سیاسی پیدا کرده و در مجلس سنای امریکا زیاده از چهل سناتور و به تعداد ۱۷۰ تن از نماینده های کانگرس به تقاضاهای آنان علاقه نشان می دهند. نظر به تخمین تقریباً ۳۵ ملیون امریکایی به بنیادگرایان عیسوی گرایش دارند. اینها عقیده دارند که به امر خداوند عمل می کنند. آقای جورج بوش رئیس جمهور امریکا که با فندامنتالیست ها همدردی و همدلی نشان می دهد، بعضی از تصامیم بحث انگیز سیاسی نظامی را چنین توضیح می کند: « خداوند بمن اذعان نمود که باید القاعده را مضمحل سازم و من امر الهی را به جا آوردم و بعداً خداوند بمن امر نمود که صدام را از بین ببرم و بنا بر امر الهی به عراق حمله و صدام را از قدرت برانداختم. تصمیم من اینست که پروبلم سیاسی شرق میانه را حل سازم.» (۲۷ جون ۲۰۰۳م سال).

افراطگرایان عیسوی سعی دارند که کشور امریکا را به جامعه محض عیسوی تبدیل و حکومت راتحت کنترل داشته، بالاخره جامعه امریکا را به کشوری که تحت اوامر الهی باشد، تبدیل نمایند. این گروه معتقد است که دین عیسویت بایست در سراسر جهان بالای همه تحمیل شود. یکی از سخنگویان خطرناک گروه افراطی عیسوی، راندل تری، نام دارد. وی در سخنرانی ها برای پیروان خویش چنین اظهار نمود. « من میخواهم که در شما احساس تحمل ناپذیری و نفرت نسبت به دیگر ادیان را، مانند طغیان آب های خروشان بحر، ایجاد کنم. بلی نفرت در مقابل دیگر ادیان خوب است.» وی از کثرت گرایی و کثرت آرایی منتفر است و صرف برای پیروان خویش حقوق مساوی و

برابری را می پذیرد، نه برای انسان های دیگر. وی ادعا دارد که خداوند منتظر است تا سرزمین امریکا توسط بنیاد گرایان عیسوی اشغال و کتاب مقدس - انجیل - جای قانون اساسی امریکا را بگیرد. بنیادگرایان روند خطرناک افراطگرایی را در پیش گرفته و هر کشور و یا هر شخص و حتی موسسه یی را که مخالف با آیین مذهبی و برنامه افراطی گرایان عیسوی رفتار کند، تهدید می نمایند. اینان برای خفه ساختن مخالفین، خشونت را بهترین وسیله دانسته و در صدد تعقیب، ویرانی و آتش سوزی می شوند. به طور مثال آتش سوزی دفاتر دکتورانی که عمل سقط جنین را برای زنها اجرامی کنند و بمب گذاری در کلب همجنسبازان. نظر به ارقام احصایوی اف بی آی در میان سال های ۱۹۹۶ الی ۲۰۰۰م تقریباً هفتاد و یک هزار واقعه جنایی که منشأ افراطی گرای دینی داشته، در امریکا به وقوع پیوسته و این افراطی گرایان خود را به حیث گارد نظامی خداوند خطاب میکنند.

یک تعداد از این افراطگرایان زیر پوشش دین مرتکب جنایات خیلی خطرناکی شده اند که باعث قتل صدها تن از مردم بی گناه گردیده است. به طور مثال در بمب گذاری تعمیر دفاتر رسمی شهر اوکلاهوما توسط تیمتی میک فی وتری نیکلس به تعداد ۱۶۸ نفر از باشندگان به طور فجیع به قتل رسیدند. در این میان از نژاد پرستان افراطی که در زیر پوشش عیسویت به قتل سیاهپوستان و آتش زدن به کلیساهای آنان دست می زدند نیز باید یادآوری نمود.

در اوایل قرن بیست در امریکا یک کشمکش بین کلیسای پروتستانت و تجدد خواهان به وقوع پیوست که این جنجال های مذهبی تا سالهای ۱۹۲۰م ادامه داشت. در ارتباط به این جنجال های مذهبی، مباحثات و مشاجرات درمورد فندامنتالیسم و مودرنیزم به اوج خود رسید و کلمه فندامنتالیسم که امروز در نشرات غرب یک اصطلاح معروف شده و منشأ و ریشه مذهبی دارد، در واقع از ادبیات نیمه اول قرن بیستم به عاریت گرفته شده است. فندامنتالیسم و یا بنیاد گرایی که مترادف با افراطی گرای است در بین بخش های از عیسوی ها و یهودی های امریکا نیز به شکل خشونت آمیز زنده شده و با تأسف روبه توسعه است. این بنیادگرایان افراطی سعی دارند تا اسلام را در جهان، دین خشن، جلو داده و کار را به جایی برسانند که نام مسلمان در اذهان عامه سیمای تروریست را تداعی نماید.

با کمال تأسف که در اثر حوادث یازدهم سپتامبر و حوادث تروریستی دیگر که از سوی شماری از افراطیون اسلامی صورت گرفته است، امروز در اروپا و امریکا مسلمانان با سوطن های رو به گسترش، مواجه اند. حتی در میدان های هوایی مسلمانان به پرس و پال و اذیت و آزار غیر موجه رو به رو می شوند. استراق سمع، حتی در برخی موارد از نظر قانونی غیر مجاز، از مکالمات تلفونی اتباع مسلمان صورت می پذیرد. به هر صورت، دین علاوه بر این که یک عقیده است جزء کلتور و هویت انسانی نیز است. همه مردمان جهان به ارزش های کلتوری و دینی خود می بالند. هیچ کشور و یا گروه حق آن را ندارد تا به مقدسات و ارزش های دینی و کلتوری دیگران اهانت کند و نامش را آزادی بیان بگذارد.

تروریسم، خشونت، بنیادگرایی و افراط گرایی به هر نام و عنوانی که باشد مخرب است و قابل تقبیح. مبارزه با تروریسم تنها یک بُعد ندارد. برای برچیدن تروریسم و خشونت باید زمینه ها و ریشه های آن ها را برچید. تا جایی که به مناسبات غرب با جهان اسلام تعلق می گیرد، بهتر است تا جهان غرب متوجه نارسایی های خویش در این مناسبات گردیده، نه تنها تعصبات دینی و نژادی بی مورد را کنار بگذارد بل سعی کند تا به بی عدالتی های سیاسی در شرق میانه پایان دهد. اشغال غیر قانونی سرزمین های مردمان بی دفاع فلسطین یکی از این مسایل کلیدی است.

مسلمانان و کشورهای اسلامی نیز مسایل زیادی پیش روی دارند که آن ها را باید حل کنند. در این رابطه هم روحانیون و روشنفکران دینی، هم نیروهای سیاسی و زمامداران دولتی و هم مسلمانان عادی و هم جامعه روشنفکران و فرهنگیان، کار زیادی در پیش رو دارند. ما باید بدانیم که بنیادگرایی و افراط گرایی، توسل به خشونت و اسیر ماندن در پوسته تعصبات و عقیمانده گی ها، ما را به جایی نمی رساند. جهان اسلام به روشنگری و رنسانس ضرورت دارد به نو اندیشی، اصلاحات و پیشرفت های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی متناسب به ایجابات جهان معاصر ضرورت دارد. تنها در این صورت است که ما می توانیم در جهان مقام و احترام شایسته یی کسب کنیم. احترام طلب نمی شود، احترام کسب می گردد.

پایان